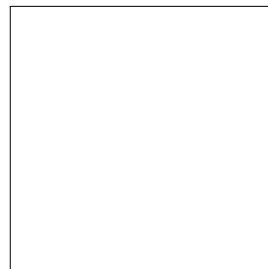


بحران‌ها و مشکلات بسیاری که بعد از جنگ دوم جهانی ساختارهای اقتصادی کشورهای در حال توسعه را در برگرفته بود، موجب شد تا نخبگان و دولتمردان برخی از آن جوامع برای کنترل و هدایت اوضاع به روش‌های مدیریت متمرکز روی آورند. در نتیجه سهم اصلی در کنترل و غلبه بر مشکلات به دولت‌ها واگذار گردید.

اما در گذر زمان و براساس تجربه‌های به جای مانده از نظام‌های متمرکز، تدریجاً این باور ایجاد شد که ظرفیت نهادهای دولتی برای پیشبرد مطلوب بخش‌های مختلف جامعه کافی نیست و می‌بایست ضمن ایجاد شرایط مناسب، برنامه‌ریزی‌ها طوری انجام شوند تا فعالیت‌ها با مشارکت اعضای جامعه صورت پذیرفته و در جریان توسعه از کلیه ظرفیت‌های موجود در جامعه بهره‌برداری شود. لذا نقش انحصاری دولت‌ها تدریجاً به نظارت و ارشاد تبدیل گردیده و دیدگاه‌های جلب مشارکت‌های عمومی مطرح شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و به دنبال تدوین برنامه‌های پنج‌ساله اول و دوم - که سیاست‌های توسعه اقتصادی آنها براساس برتری سهم مشارکت مردم بر سهم دولت تنظیم شده است - همزمان با طرح مسأله خصوصی‌سازی، تلاش شد تا برای دستیابی به اهداف برنامه‌ها از مشارکت عموم و توان بخش‌های غیردولتی نیز بهره‌برداری شود. در این میان و در مجموعه فعالیت‌های بخش اقتصادی کشور، مسأله خصوصی‌سازی صنعت بیمه نیز در دستورکار مراجع ذیربط قرار گرفت.

خدمات بیمه ویژگی‌هایی دارند که این صنعت را نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی ممتاز می‌سازد. بیمه به قشر و یا صنف خاصی اختصاص نداشته و انواع مختلف پوشش‌های آن کلیه اعضای جامعه را مخاطب قرار می‌دهد. لذا عمومیت بیمه و تأمین انواع نیازهای بیمه‌ای جامعه، ظرفیت قابل ملاحظه‌ای را طلب می‌کند که به نظر می‌رسد



سرمقاله

ضرورت خصوصی‌سازی صنعت بیمه

از توان مؤسسات دولتی خارج بوده و به مشارکت گسترده بخش‌های خصوصی نیاز دارد.

شاید بتوان مهم‌ترین دلایل ضرورت خصوصی‌سازی صنعت بیمه را به شرح ذیل بیان نمود:

- محدودیت امکانات و توانایی‌های مؤسسات بیمه دولتی
- عدم شکل‌گیری بازار رقابتی مناسب
- ضرورت توسعه صنعت بیمه
- تنگناهای ناشی از مقررات ناظر بر مؤسسات بیمه دولتی
- عدم استفاده از ظرفیت‌ها و

توانایی‌های قابل ملاحظه بخش‌های غیردولتی

- محدودیت تعداد مؤسسات بیمه‌گر
- فقدان انگیزه‌های کافی در دست‌اندرکاران و کارکنان مؤسسات بیمه

از آنجا که جامعه دارای نظامی سیستماتیک بوده و اجزای آن براساس روابط خاصی باهم در ارتباط می‌باشند، بدیهی است ایجاد هر نوع تغییر در ساختار فعالیت‌ها می‌باید براساس مطالعات تخصصی و دقیق صورت پذیرد تا علاوه بر دستیابی به اهداف، از درهم‌ریختگی سایر ساختارها و تولید مشکلات و نارسایی‌های جدید جلوگیری شود. توجه به این مسأله انجام مطالعات تخصصی و دقیق را قبل از هر نوع برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در امر آزادسازی و خصوصی‌سازی صنعت بیمه در کشور ضروری می‌سازد.

علی‌رغم توافقی همگانی موجود بر سر لزوم خصوصی‌سازی صنعت بیمه، در نوع روش‌های اجرایی آن

دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. صرف‌نظر از اختلاف در دیدگاه‌های موجود، به نظر می‌رسد به منظور ایجاد شرایط مناسب برای توسعه این صنعت و کاهش عوارض تغییرات ساختاری آن، در جریان خصوصی‌سازی توجه به نکات زیر ضروری به

نظر می‌رسد:

- ۱ - لزوم انجام مطالعات، پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق
- ۲ - توجه توأمان به آزادسازی و خصوصی‌سازی
- ۳ - ایجاد مقررات و شرایط یکسان برای بیمه‌گران دولتی و غیردولتی

۴ - هدایت ظرفیت‌های جدید بیمه‌گری به سمت بازارهای بالقوه

۵ - ضرورت برنامه‌ریزی و پیش‌بینی در مورد تأثیر تغییرات ناشی از خصوصی‌سازی صنعت بیمه بر سایر بخش‌های جامعه

۶ - لزوم وجود شبکه نظارتی دقیق و کارا بر فعالیت بیمه‌گران و استفاده از ابزارها و روش‌های نوین

۷ - تقویت بیش از پیش پایه‌های اعتماد میان بیمه‌گران و بیمه‌گذاران

امید آن که با مساعی و همت کلیه دست‌اندرکاران صنعت بیمه، در آینده‌ای نه چندان دور شاهد افزایش توان بیمه‌گری و توسعه صنعت بیمه در جامعه و همچنین ایجاد بسترهای مناسب برای حصول اساسی‌ترین کارکرد صنعت بیمه، یعنی ایجاد تأمین‌های اقتصادی در سطوح خرد و کلان باشیم.

